

احتجاج برای
لیبرالیسم در
کشورهای غیرغربی،
هم به دلیل کاهش
رشد اقتصادی
کشورهای غربی در
مقایسه با کشورهای
در حال رشد و هم
استانداردهای
دوگانه‌ای که
کشورهای غربی در
سیاست خارجی به
نمایش گذاشته‌اند،
سست شده است.

ایدئولوژی جهانی باقی می‌ماند و در حال حاضر هیچ رقیب هم‌ترازی ندارد؛
۲. ایدئولوژی چین، به عنوان قدرتمندترین دولت در حال ظهور امروز، در نهایت
می‌تواند ایدئولوژی ایالات متحده را به چالش بکشد؛^۳ چین به طور رسمی
مدعی است که ارزش‌های سنتی چینی، سیاست‌گذاری خارجی‌اش را
هدایت می‌کند. این سه وضعیت حاکی از دو فرایند پیشروانه احتمالی برای
نظم بین‌المللی در بحبوحه دوقطبی شدن وضعیت میان ایالات متحده و
چین است. این دو مسیر، رقابت میان لیبرالیسم آمریکایی و ارزش‌های سنتی
چینی یا ترکیبی از این دو است. به نظر یسون مسیر اول حکایت از مناقشه
فرهنگی چین و ایالات متحده دارد که در برخوردی تمدنی اوج می‌گیرد،^۴
اما من گمان می‌کنم بدیل دوم محتمل‌تر است؛ زیرا اتخاذ ترکیبی از این دو
مزایای بیشتری را برای این دو غول بزرگ پیشکش می‌کند.
ترکیب ارزش‌های لیبرالیستی و ارزش‌های سنتی چینی می‌تواند مجموعه
جدید و قابل‌رقابتی از آرمان‌ها را ایجاد کند که به استقرار نظم بین‌المللی
پایدار کمک می‌کند؛ از این رو، در بخش بعدی درباره امکانات ارائه شده از
ترکیب سه ارزش لیبرالیسم (برابری، دموکراسی و آزادی) با سه ارزش سنتی چینی
(خیرخواهی، درستکاری و آداب) بحث خواهیم کرد. چنین ترکیبی می‌تواند
به نظامی بین‌المللی شکل دهد که خصیصه‌ای کاملاً متفاوت از نظم
بین‌المللی جنگ سرد و پسا جنگ سرد دارد.

برابری در آغوش خیرخواهی

قبل از بحث درباره چگونگی ترکیب این ارزش‌ها،
ابتدا باید مفاهیم «انصاف»^۳ و «عدالت»^۴ را
درباره سیاست بین‌المللی تعریف کنیم تا از هرگونه
سوء تفاهم احتمالی ناشی از کاربرد روزمره آن‌ها جلوگیری کنیم. جان رالز
«عدالت را به مثابه انصاف» تعریف می‌کند، تعریفی که اصل عدالت را نظامی
بسته و منزوی در نظر می‌گیرد که مشارکتی در سامان روابط میان دولت‌ها ندارد.
اما نظام بین‌المللی شامل ملت‌های مختلفی است که در آن‌ها عدالت و
انصاف، بیشتر در مورد نهادها اعمال می‌شود و به ندرت افراد را در بر می‌گیرد؛
بنابراین در چنین فضایی عدالت و انصاف، به ضرورت حوزه‌های متفاوتی را در
بر می‌گیرد؛ به عنوان مثال، ما جنگ مشروع [عادلانه] را از جنگ نامشروع [غیرعادلانه]
متمایز می‌کنیم، اما هرگز جنگ منصفانه را از جنگ غیرمنصفانه متمایز
نمی‌کنیم، به همان نحو که تجارت منصفانه را از تجارت غیرمنصفانه متمایز
نمی‌کنیم، اما هرگز تجارت مشروع [عادلانه] را از تجارت نامشروع [ناعادلانه] متمایز
نمی‌کنیم؛ از این رو، من عدالت را مطابقت نتیجه با درستکاری و انصاف را
مطابقت با اخلاق مطلوب محرومان تعریف می‌کنم.

ترکیب ارزش‌های
لیبرالیستی و
ارزش‌های سنتی
چینی می‌تواند
مجموعه جدید
و قابل‌رقابتی از
آرمان‌ها را ایجاد کند
که به استقرار نظم
بین‌المللی پایدار
کمک می‌کند.